

## درآمد

فتوح اسلامی به ویژه برای ما ایرانیان مسلمان، دست‌کم از دو زاویه قابل ملاحظه است: نخست از آن جهت که فتوح ایران نقطه عطفی در تحولات فرهنگی و تمدنی آن به شمار می‌رود؛ دوم از آن جهت که موضوع فتح و گسترش قلمرو جغرافیایی، از مسائل مهم حقوق بین‌الملل اسلامی و غیراسلامی است و به اصطلاح از مسائل چالش‌برانگیز محافل علمی است. نخستین گام در بررسی عالمانه این موضوع، شناسایی زوایای پنهان منابع فتوح‌نگاری و نقد و بررسی آنهاست. در این میان، معرفی و بررسی منابع فتوح‌نگاری، یکی از آغازین گام‌هاست؛ اما پیش از این بررسی، یادآوری سه نکته حایز اهمیت است: نحوه گردآوری و تدوین روایات فتوح، نخستین اسناد فتوح‌نگاری و نخستین مراکز فتوح‌نگاری.

درباره نکته اول باید گفت: از منابع سده‌های نخستین، آنچه به عنوان سند، نسخه و یا دفتر و کتاب شناخته می‌شود، آثاری هستند که عموماً توسط راوی و یا راویان به صورت شفاهی، یعنی به روش «سماع» از مؤلف، و یا «قرائت» بر مؤلف و یا به روش «وجاده» (نقل و استنساخ همه یا بخشی از کتاب بدون قرائت و بدون امل و اجازة مؤلف) برای دیگران نقل شده است؛ بنابراین سند هر کتابی، اعتبار خود را مدیون اعتبار راوی و روش روایی اوست. این پدیده، یعنی سندیت و انتقال شفاهی کتاب‌ها، بسیاری از پژوهش‌گران جدید را درباره واقعت مکتوب آن آثار به تردید در موجودیت مکتوب آنها کشانده است. پس نه تنها نمی‌توان درباره اعتبار تاریخی آن و نیز روایاتش به اطمینان رسید، بلکه آن نیز مانند دیگر کتاب‌های اعصار گذشته، غیر قابل اعتماد است.

گزارش‌ها و دلایل فراوانی در دست است که نشان می‌دهد بسیاری از صحابه و تابعین که در سده‌های نخست، وظیفه یادگیری، حفظ و روایت میراث ادبی اسلام اعم از قرائت، تفسیر، حدیث، اخبار و تاریخ، انساب و رجال و تراجم و ادبیات را برعهده داشتند، اهل «کتابت» و «تدوین» بوده‌اند.

به عبارت روشن‌تر، جایگاه کتاب و کتابت در قرآن کریم، گواهی شماری از مورخان و محدثان بزرگ بر رونق کتابت در آن روزگار، شواهدی که افسانه بودن حافظه نیرومند عرب را ثابت می‌کند، دلایلی که بر وجود سنت کتابت غیر قرآن در عصر نبوی و پس از آن دلالت دارد و نیز قراینی که به تداوم سنت کتابت در سده‌های بعدی دلالت دارند، همه گواهی می‌دهند که اولاً کتابت علم در عصر پیامبر ﷺ، مشروع و معمول بوده است؛ ثانیاً سنت کتابت و نگارش علم از صدر اسلام تا سده سوم، فرایندی روبه رشد داشته است. این فرایند از مرحله «کتابت» و تهیه پرونده‌های علمی، یعنی «اصول» موجود در

## کتاب‌شناسی موضوعی

# درآمدی بر کتاب‌شناسی توصیفی فتوح‌نگاری اسلامی

استاد یار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

حسین عزیزی

چکیده: فتوح اسلامی از دو زاویه قابل ملاحظه است. نخست از آن جهت که فتوح ایران، نقطه عطفی در تحولات فرهنگی و تمدنی آن به شمار می‌رود؛ دوم از آن جهت که مسأله فتح و گسترش قلمرو جغرافیایی یک پدیده تاریخی، دینی و از مسائل مهم حقوق بین‌الملل اسلامی و غیر اسلامی می‌باشد. معرفی و بررسی منابع فتوح‌نگاری یکی از آغازین گام‌ها جهت شناسایی زوایای پنهان منابع مذکور است. نویسنده در مقاله حاضر پیش از پرداختن به نقد و بررسی منابع فتوح‌نگاری، نحوه گردآوری و تدوین روایات فتوح، نخستین اسناد و مراکز فتوح‌نگاری را بیان می‌دارد. در ادامه، به کتاب‌هایی که برای پژوهش در این زمینه قابل استفاده‌اند در حوزه‌های فقهی، حدیثی، تاریخی، رجال، تراجم و انساب، سیره‌شناختی، تاریخ عمومی، تاریخ محلی، جغرافیایی و کتابشناسی‌ها، اشاره می‌کند. در انتها، با ذکر پژوهش‌های نوین در این عرصه، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

واژگان کلیدی: فتوح‌نگاری اسلامی، کتاب‌شناسی توصیفی، فتوحات اسلامی، معرفی کتاب.

صندوق‌های شخصی (قماطر) تا مرحله اجماع اهل علم بر تدوین و تهیه دفتر در ربع آخر قرن اول هجری و اوایل سده دوم پیش رفت.<sup>۱</sup>

با وجود این، سنت رایج در میان نخستین محدثان آن بوده است که روایات و آثار «مکتوب» مشایخ‌شان را به شیوه «نقل شفاهی» با ذکر سلسله سند (اسناد) گزارش کنند. این سنت با وجود دیدگاهی که منشأ پیدایش آن را قرن دوم و سوم می‌داند، ریشه در عصر نبوی صلی الله علیه و آله دارد. روایات نیز به پیشینه طرح این موضوع از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السلام دلالت دارند.

نکته دوم مربوط به نخستین اسناد فتوح نگاری است. در کتاب طبقات

ابن سعد، فهرستی از فاتحان صحابه و غیر صحابه را می‌توان دید.<sup>۲</sup> بی‌شک، امثال آنان نخستین راویان اخبار فتوح اند، اما از آنجایی که در بدو تکوین کتابت و ثبت آثار، یعنی در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم، کاربرد «اسناد» با وجود مطلوبیت آن، به ویژه در روایات غیر فقهی با تسامح مواجه بوده است، گاهی نام شاهدان عینی و فاتحان در سلسله اسناد دیده نمی‌شود. در هر حال، آخرین منبع این گزارش‌های موجود، یا شاهدان عینی و نخستین فاتحان اند، مانند عمر بن خطاب، جابر بن عبد الله، ابوامامه باهلی، معقل بن یسار، ابوهریره، عبد الله بن مسعود، ابوموسی اشعری،

ابووائل شقیق بن سلمه، انس بن مالک، علاء بن حضرمی، براء بن عازب و قیس بن ابی حازم، و یا نخستین مورخان و فتوح نگاران که روایاتشان با واسطه و یا بی واسطه از شاهدان عینی و فاتحان گرفته اند اما گاهی نامی از آنها نبرده اند؛ مانند عروة بن زبیر، سعید بن مسیب، ابن شهاب زهری، عامر بن شراحیل شعبی، وهب بن منبه، ابن اسحاق، ابومخنف لوط بن یحیی، شریک بن عبد الله و قتادة بن دعامة سدوسی بصری، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، عبد الله بن مبارک و یعقوب بن ابراهیم بن سعد زهری که البته بررسی روایات و آثار اینان مجال دیگری می‌خواهد.

افزون بر این، می‌توان به تأثیر نیرومند غلبه اسلام و فتوح بزرگ و برق‌آسای عرب مسلمان در خود آگاهی تاریخی مسلمانان اشاره کرد؛ به این معنی که: اولاً فتوحات پی‌درپی و غنائیم به دست آمده سبب شد رهبری فتوح به فکرتیه «دیوان عطایا» افتاد و از این

۱. نویسنده در مقاله‌ای با عنوان «علاقة المصادر المكتوبة بالروایات الشفوية فی القرون الثلاثة الأولى من التاريخ الهجری» (مجله العلوم الانسانیة، دفتر ۱۷، ش ۳، ۲۰۱۰م/۱۴۳۰ق)، این شواهد را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

۲. رک به: همان، ج ۳، صص ۹۹ و ۱۲۷، ج ۴، صص ۲۱۲، ج ۶، صص ۶۷، ۱۵۱، ۳۷۸، ۳۸۹ و ج ۷، صص ۱۷، ۶۳ و ۱۴۰.

طریق نخستین سند مکتوب انساب و نیز اخبار مربوط به فتوح و پیامدهای آن شکل بگیرد. ثانیاً ضرورت تداوم فتوح و اداره شهرها و سرزمین‌های فتح شده، نیازمند شناخت پیوسته از این مناطق بوده است. چنین ضرورتی زمینه تهیه اسناد مکتوب دیگر را فراهم کرد. عمر بن خطاب با انگیزه استقرار فاتحان و اداره سرزمین‌های فتح شده از حکیم زمان خود خواست تا اوضاع شهرها، آب و هوا و ساکنان و دیگر مطالب مربوط به آنها را برای او و صف کند. حکیم نیز اوصاف شهرهای مصر، حجاز، عراق، خراسان و فارس را برای وی فرستاد؛<sup>۳</sup> و همواره سعد بن ابی وقاص خواست قادیسیه را برای وی معرفی کند.<sup>۴</sup> زیاد بن ابیه نیز در نامه‌ای، وصف شهر ابله را به عثمان بن عفان فرستاد که با قوت نسخه‌ای از آن را در کتاب خود آورده

است.<sup>۵</sup> افزون بر اینها نامه‌ها، پیمان نامه‌ها یا اسنادی است که در جریان فتوح میان فاتحان و دولت مردان و شهرهای فتح شده مبادله شده، در میان بازمانگان قبایل یا دیوان‌های دولتی نگهداری شده است.

شاید این دست از نامه‌ها در کتاب‌هایی چون رسائل الفتوح سعید بن ابراهیم تستری یا کتاب الرسائل فی الفتوح احمد بن ابی النعل، والی اصفهان در زمان مقتدر عباسی و یا کتاب رسائل الملوک محمد بن زکریای رازی گردآوری شده بوده که اکنون از آنها بی‌خبریم.<sup>۶</sup> برای نمونه نسخه‌ای

از نامه خالد به اهل مدائن را شعبی از برخی افراد قبیله «بقیله» نقل می‌کند<sup>۷</sup> که مکاتبات مکرر ابو عبیده جراح با عمر بن خطاب به سال ۱۵ هجری را گزارش کرده است.<sup>۸</sup> افزون بر این نسخه‌ای از اسناد مربوط به ثبت صورت اموال کارگزاران شهرهای فتح شده نیز موجود بوده است که در اخبار گزارش شده اند؛<sup>۹</sup> نیز دستورالعمل‌های سیاسی و قضائی خلفا به کارگزارانشان که مورخان گزارش کرده اند؛<sup>۱۰</sup> همچنین دیوان‌های متعدد «عطایای عمر» که در آنها فهرست خاندان‌ها و اشخاص ساکن هر شهر گنجانیده شده بود.<sup>۱۱</sup> جالب آنکه این دیوان‌ها تا مدت‌ها در اختیار کارگزاران آن شهرها بوده است؛ مانند دیوان کوفه که تا واقعه دیرالجمامه که در آن جنبش قراء کوفه به سال ۸۲ هجری

۳. مروج الذهب؛ ج ۲، ص ۳۴.

۴. معجم البلدان؛ ج ۴، ص ۲۹۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۵.

۶. رک به: الفهرست؛ ۱۴۹، ۱۵۲ و ۴۲۳.

۷. تاریخ طبری؛ ج ۳، ص ۳۴۶.

۸. فتوح البلدان؛ ص ۲۵۳.

۹. انساب الاشراف؛ ج ۱۰، ص ۳۶۰.

۱۰. انساب الاشراف؛ ج ۱۰، ص ۳۸۹ و تاریخ طبری؛ ج ۲، ص ۳۸۸ و ج ۳، ص ۳۴۳.

۱۱. فتوح البلدان؛ ص ۴۳۹.

و عبدالله بن لهیعه<sup>۱۶</sup> از نخستین فتوح‌نگاران مصرند. روایاتشان نیز فراوان در کتاب‌های فتوح آمده و به کتاب‌های نایابشان نیز اشاره شده است؛ بنابراین همان طوری که کتابت تاریخ در شام، مصر و حجاز بوده، فتوح و فتن نیز جلوتر و نیرومندتر از شام، در عراق و توابع آن بوده است؛ چنان‌که بسیاری از ساکنان آن در این حوادث سهیم بوده‌اند. با آمدن عباسیان نیز طبیعی بود که مورخان‌شان از عراق باشند.<sup>۱۷</sup>

حال باید دید در انعکاس ادبیات مکتوب مقاومت و فتوح صدر اول و نیز برای پژوهش در این زمینه، هم‌اکنون چه میراث‌هایی در دسترس محققان است؟ نویسنده در بررسی‌های خود به چند محور اساسی ذیل، دست یافته است:

### کتاب‌های فقهی - حدیثی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین خاستگاه تاریخی مواد فقهی و حقوقی شیعه، دوران امامت امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. این مواد، نخست به صورت احادیث و روایات در «اصول» و دفاتر ثبت شده‌اند. تداوم انزوای سیاسی اهل بیت علیهم‌السلام و پیروانشان و نیز دیدگاه شناخته‌شده آنان نسبت به نظام سیاسی موجود، هم‌زمان با ناخشنودی دستگاه حاکمه از این مواضع و به حاشیه راندن رهبری علمی و سیاسی آنان، سبب شد مواد فقهی و حقوقی شیعه که همان احادیث باشد، کنار نهاده شود و گفتمان غالب فقه شیعی به سوی «فقه فردی» و نه سیاسی و اجتماعی، متمایل گردد. چنین گرایشی سبب شد تا حوادث سیاسی وقت، بازتاب کمتری در نظام تشریحی شیعه پیدا کند؛ از این رو در منابع حدیث شیعه اثر کمتری از روایات فتوح و احکام آن به چشم می‌خورد یا اصلاً اثری از آنها نیست.

اما مواد فقهی - حدیثی اکثر مردم آن روزگار که تدریجاً به اهل سنت و جماعت شهرت یافت، در نقطه مقابل نظام حقوقی شیعی قرار گرفت و عملاً فقه به عنوان آیین‌نامه نظام سیاسی حاکم شناخته شد. طبیعی بود که دغدغه‌های جدی نظام سیاسی، از جمله فتوح و مسائل مربوط به آن، در میان این مواد ظهور و بروز بیشتری یابد. بدیهی است هدف اصلی محدثان از نقل محدود این نوع روایات در ابوابی چون کتاب تاریخ، کتاب السیر و المغازی، کتاب الخراج، کتاب الجهاد، العطايا و المقاسمه و باب احکام الجزیه، تبیین احکام فقهی موضوعات مربوط به فتوح بوده است. اهمیت این منابع در آن است که به طور مستند بخشی از منابع اولیه روایات فتوح را به دست می‌دهند. کتاب الخراج

شکست خورد، موجود بود، و در این ماجرا سوزانده شد.<sup>۱۸</sup> اینها در واقع نخستین گام‌هایی بودند که خودآگاهی «تاریخ نگاری» فتوح را به منصفه ظهور رساندند.

اما درباره نکته سوم باید گفت: پس از دوره نخستین، یادداشت‌ها و امالی صحابه، بی‌تردید دفاتر، «اصول» یا پرونده‌های تاریخی مربوط به مغازی و فتوح، مانند تاریخ آفرینش، مثالب، ملاحم، نحو، إرجاء و أمثال، در یک فترت زمانی، یعنی در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم در حجاز و عراق شکل گرفته‌اند. جابر ذوقربات، زیاد بن ابیه، صُحار عبدی، عروة بن زبیر، حسن بن محمد بن حنفیه، عامر شعبی، وهب بن منبّه اُبن‌اوی و ابن شهاب زهری از نخستین‌ها هستند و به ظاهر، تمامی عناصر تاریخ اسلام ادوار بعد در آنها و در یادداشت‌های پیشین<sup>۱۹</sup> بوده است؛ اما دلیلی بر عمومی بودن همه آنها نیست. این منابع، به استثنای کتاب‌های زهری که در اوائل سده دوم رواج یافت، مانند دست‌نوشته‌های پیشین، تا حدی در اختیار دوستان و شاگردان مؤلفان بوده‌اند، چنان‌که شکل‌گیری تاریخ نگاری عام به معنی مطالعات مربوط به همه حوادث مربوط به قرن دوم در مدینه و عراق است و موسی بن عقبه مدنی (ف ۱۴۱ق)، مجالد بن سعید بن عمیر همدانی (ف ۱۴۳ق)، محمد بن اسحاق مدنی (ف ۱۵۱ق) حسن بن صالح بن حی (۱۶۹ق) ابوالیقظان عامر بن حفص (ف ۱۷۰ق)، ابومخنف لوط بن یحیی کوفی (ف ۱۷۵ق) و سیف بن عمر (ف ۱۸۰ق) از پیشگامان این نوع تاریخ نگاری به شمار می‌روند.<sup>۲۰</sup>

با این توضیح معلوم می‌شود شامیان، نقشی در تکوین نخستین فتوح‌نگاری نداشته‌اند؛ اما این سخن هاملتون گیب که در دو قرن نخست هیچ کتاب تاریخی به شام یا شبه جزیره عربستان یا مصر مربوط نیست نیز ناتمام است. سخن او درباره شام، حجاز و مصر، می‌تواند ریشه در ناآگاهی وی از منابع داشته باشد.<sup>۲۱</sup>

در هر حال، به گفته ابن ندیم، ولید بن مسلم دمشقی (۱۱۹-۱۹۵ق) دارای کتاب مغازی بوده است؛ هر چند از این کتاب در منابع متأخر، بسیار کم روایت شده است (الفهرست، ص ۲۸۴). در حجاز، ابوسعید شرجبیل بن سعد بن عباده (از عالم‌ترین مردم به مغازی)، زُهری و شاگردش موسی بن عقبه و ابن اسحاق از مورخان و سیره‌نگاران بزرگ مدنی هستند. یزید بن ابی حبیب، ابوقبیل معافری

۱۶. مسعودی در سیاهه مورخان، تنها نام عیسی بن لهیعه را آورده است (مروج الذهب؛ ج ۱، ص ۲۱). عیسی بن لهیعه بن عیسی بن لهیعه (ف ۲۵۷ق) نواده برادر عبد الله بن لهیع است. عیسی برخلاف عبد الله بن لهیعه، بسیارگمنام و کم حدیث است و جز مسعودی و ابن عساکر، از وی یاد نکرده‌اند و آن گونه که از ظاهر چند گزارش ابن عساکر به دست می‌آید، گویا در تاریخ خلفای اموی کتابی داشته است (تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۵۸، ص ۹۶ و ج ۶۸، صص ۱۳۰ و ۱۳۸).

۱۷. ضحی الاسلام؛ ج ۲، ص ۳۴۵ و المدخل الی تاریخ الاسلامی؛ ص ۱۳۶.

۱۲. الخراج ابی یوسف؛ ص ۴۷ و الخراج یحیی بن آدم؛ ص ۶۳.  
۱۳. برای مثال نسخه‌ای از کتاب‌های ابن عباس از طریق غلام وی، کزبب در اختیار موسی بن عقبه قرار گرفته بود (الطبقات الكبرى، ج ۵، ص ۲۹۳). نویسنده در فصل دوم ذیل عنوان «نخستین فتوح نگاری‌ها» به تفصیل درباره آثار این گروه از تاریخ‌نگاران بحث خواهد کرد.  
۱۴. قسم با: تاریخ التراث العربی: التدوین التاریخی؛ صص ۲۴، ۱۱۹ و ۱۹۴. المدخل الی تاریخ الاسلامی؛ ص ۷۱۷. تاریخ تاریخ نگاری اسلام، ج ۱، ص ۱۵۲.  
۱۵. رک به: المدخل الی تاریخ الاسلامی؛ ص ۷۱۷.

التاریخ» به گزارش روایات فتوح عراق و ایران است. این کتاب از جهت آنکه ما را با مشایخ صحابی و غیر صحابی روایات فتوح، مانند ابووائل، انس بن مالک و معقل بن یسار از صحابه و عفان بن مسلم، فضل بن دکین، ابواسامه، مجالد بن سعید، شعبی، حسین بن اسود، ابوبکر بن عیاش و ابوداود طیالسی از تابعین و اتباع آنان، آشنا می‌کند، حائز اهمیت است.

در این میان، می‌توان از کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (د ۶۵۶ ق) از جهت دسترسی به برخی از منابع نایاب از فتوح نگاران نام برد؛ برای مثال، روایت از کتاب‌های الشوری و مقتل عثمان از شعبی یا عوانه بن حکم<sup>۱۹</sup> را تنها در این کتاب می‌توان یافت.<sup>۲۰</sup> ابوبکر بیهقی (د ۴۵۸ ق) در کتاب السنن الکبری روایاتی از یحیی بن آدم و شافعی درباره فتح شوشتر و قادیسیه نقل می‌کند. در مجمع الزوائد هیشمی (د ۸۰۷ ق) نیز شماری از روایات فتوح معقل بن یسار، عروه بن زبیر، زهری و محمد بن اسحاق، البته با استناد به منابع پیشین گزارش شده است.

### کتاب‌های ملاحم و فتن

در کنار منابع فقهی حدیثی، نباید از احادیث و کتاب‌های مربوط به ملاحم و فتن غافل شد. اعتبار ذاتی این دست از روایات و اخبار هرچند از نظر برخی محدثان و نقادان حدیث، خالی از مناقشه نیست (ابن حجر، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳)، اما برای آشنایی با فضای فرهنگی و سیاسی حاکم بر آن روزگاران سودمند است. در این میان می‌توان به نخستین کتاب، یعنی الملاحم والفتن نعیم بن حماد (د ۲۸۸ ق) اشاره کرد که در آنها روایات مربوط به نشانه‌های پایان تاریخ، رویدادهای آخرالزمان و پیش‌بینی فتوح شهرها پس از پیامبر ﷺ گردآمده است؛ افزون بر این، کسانی چون محمد بن اسماعیل بخاری (د ۲۵۶ ق) در کتاب الصحیح روایتی از طریق یعقوب بن ابراهیم بن سعد زهری درباره فتح بحرین آورده است. صحیح مسلم بن حجاج نیشابوری (د ۲۶۱ ق) و سنن ترمذی (د ۲۷۹ ق) در روایات خود نیز از انس پیش‌گویی‌های مربوط به فتح عراق و قزوین را گزارش کرده‌اند. در سنن ابی داوود سجستانی (د ۲۷۵ ق) و نسائی (د ۳۰۳ ق)، اخبار پیشگویانه مربوط به فتح بصره و اراضی ترک و هند به نقل از ابوهیره صحابی و ابراهیم بن سعد زهری و سعید بن مسیب و ابن شهاب زهری دیده می‌شود.

بخش مهمی از این روایات را می‌توان در کتاب صحیح ابن حبان بستی نیز دید (رک به: ابن حبان، ۱۴۱۴، «ج»، ص ۱۵، ص ۱۶۱-۲۶۶). نقل این روایات در کتاب ابن حبان که خود از منتقدان جدی حدیث

ابویوسف قاضی القضاة (د ۱۸۴ ق)، نخستین کتاب موجود در موضوع خراج و مالیات است که به دست یکی از شاگردان ابوحنیفه و در پاسخ به چندین پرسش تاریخی و فقهی از سوی هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ ق) تدوین شده است. این کتاب به سبب ارائه گزارش‌های کوتاه و نسبتاً جامع از فتوح عراق و ایران و منابع آنها، خود یکی از کتاب‌های فتوح نگاری است؛ افزون بر این در ضمن روایات فقهی نیز از منابع فتوح استفاده شده است؛ لذا این کتاب آگاهی‌های مفیدی از منابع فتوح نگاری پیشین، مانند ابن اسحاق، زهری، مجالد بن سعید بن عمیر، اسماعیل بن ابی خالد، و قیس بن ابی حازم به دست می‌دهد.

کتاب الخراج یحیی بن آدم (د ۲۰۳ ق) با سبک و سیاق کتاب پیشین، اما از نظر فقهی پرنرنگ‌تر، نظیر همان اطلاعات را در خصوص برخی از منابع متقدم مانند شعبی، زهری، مجالد بن سعید، محمد بن اسحاق و عبدالله بن مبارک به ما می‌دهد؛ با وجود این می‌توان گفت کتاب الاموال ابوعبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ ق)، نخستین کتاب جامع فقه مالی و اداری دولت اسلامی است. این کتاب در موضوع «فیء» شمار زیادی از روایات فتوح به ویژه فتوح عراق و فلات ایران را به اختصار و به تناسب موضوع و به روش اسنادی آورده است. بسیاری از روایات فتوح ابوعبید را به علاوه روایات فتوح دیگر می‌توان در کتاب الاموال حُمید بن زنجویه (د ۲۵۱ ق) یکی از شاگردان وی مشاهده کرد؛ لذا این کتاب مکمل کتاب استاد تلقی می‌شود.

کتاب السیر اوزاعی (د ۱۵۹ ق) که در پایان کتاب اللم (ج ۷، ص ۳۰۲-۳۸۹) محمد بن ادریس شافعی (د ۲۰۴ ق) نقل و نقد شده است، مواد قابل توجه تاریخی - به جز موارد اندکی که از ابویوسف نقل می‌کند و آنها را می‌توان در کتاب الخراج وی دید - در خصوص فتوح ندارد. شرح السیر الکبیر ابوبکر محمد بن ابی سهل سرخسی (د ۴۸۳ ق) حاوی متن محمد بن حسن بن واقد شیبانی (د ۱۸۹ ق) است و البته از کتاب السیر الکبیر شیبانی به جز آنچه در این کتاب آمده، چیزی بر جای نمانده است. در هر حال، این کتاب نیز مانند کتاب السیر اوزاعی مواد قابل توجهی در اخبار فتوح ندارد، اما به سبب آگاهی‌هایی که به مناسبت نقل حادثه فتح عراق و قادیسیه از کتاب مغازی واقدی ارائه می‌دهد، حایز اهمیت است. بر اساس گزارش این کتاب، دست کم روایات فتوح عراق و ایران ضمیمه کتاب المغازی واقدی بوده است که متأسفانه در چاپ‌های فعلی نیست.<sup>۱۸</sup>

در کتاب المصنف عبدالرزاق (د ۲۱۱ ق) بخشی از روایات فتوح و منابع آنها، مانند معقل بن یسار صحابی، سفیان ثوری، معمر و سفیان عیینه منعکس شده است. در میان جوامع حدیثی، امتیاز کتاب المصنف ابوبکر بن ابی شیبه (د ۲۳۴ ق)، اختصاص بابی با عنوان «کتاب

۱۹. سرگزین این کتاب‌ها را از شعبی می‌داند (نک: سرگزین، تاریخ الثرات العربی، التردوین التاریخی، ص ۲۵)، اما ظاهر عبارت ابن ابی الحدید که سرگزین به آن استناد کرده برخلاف آن است. توضیح بیشتر را در فصل دوم، ذیل شعبی ببینید.  
۲۰. شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۴۹.

۱۸. نک: شرح السیر الکبیر؛ ج ۱، ص ۱۴۷.

توجه کنید که وی در شهر عسقلان به شیوه قرائت از اورایت شنیده است! در صورتی که نه ابن اسحاق، اموی است و نه او در عمر خود به عسقلان رفته است و نه یونس شیخ او شناخته شده است.

۴. نویسنده در جایی می‌نویسد: «اصحاب تواریخ از جمله مسعودی، ابوجعفر طبرانی! و ابن اسحاق و ابن هشام و اصحاب سیر و اهل تفسیر و همه کسانی که در این کتاب شگفت - که اگر با طلائون نوشته شود اندک است! چه اینکه در خودش کتاب‌ها و تواریخ و تفاسیر و فتوحات بسیاری جای داده است - سخن گفته‌اند، می‌گویند: ...» (ج ۲، ص ۲۱۵). ملاحظه می‌کنید که واقدی (د ۲۰۷ ق) از مسعودی و جالب‌تر آنکه از ابوجعفر طبرانی! (کلمه طبرانی در جای

دیگر نیز به عنوان کنیه ابوجعفر تکرار شده است و منظور طبری است) و ابن هشام نقل می‌کند!

۵. نویسنده در جای دیگر (ج ۲، ص ۲۱۸) ذیل عنوان فتح بهنساء می‌نویسد: «راویانی چون واقدی! ابوجعفر طبرانی، ابن خلکان در تاریخ البدایه و النهایه! محمد بن اسحاق و ابن هشام و همه آنان که احادیثشان را در یکدیگر به هم آمیختم، با سندهای صحیح خود از کسانی که شاهد فتوح بوده‌اند، نقل کرده‌اند.» این عبارت نیز از شگفتی‌های «کتاب طلایی!» فتوح الشام است که نویسنده فرضی آن، یعنی واقدی از منابع ابن خلکان قرن هفتم هجری و کتاب البدایه و النهایه قرن هشتم نقل روایت می‌کند. این نمونه‌ها به خوبی نشان می‌دهد فتوح الشام و ملحقاتش به دست نویسنده یا نویسندگانی نه چندان حرفه‌ای در سده‌های متأخر ساخته شده است.

از قرائن فوق معلوم گردید که سخن بروکلان درباره اینکه فتوح الشام در جریان جنگ‌های صلیبی برای تهییج و تقویت روحیه مسلمانان نوشته شده است (بروکلان، تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۱۷) نیز ناتمام است. روشن است که این کتاب در دوره‌های متأخرتر از جنگ‌های صلیبی و در عصر فتوح عثمانی ساخته شده است؛ زیرا تاریخ البدایه و النهایه که سازنده کتاب فتوح الشام، آن را اشتباهاً به ابن خلکان (صاحب وفيات الاعیان) نسبت داده؛ از ابن کثیر دمشقی متوفی ۷۷۴ هجری است که در دوره اوج پیشروی‌های عثمانی تألیف شده است. کتابی که از چنین اثری نقل می‌کند، باید سال‌ها پس از آن اثر و در نتیجه، بیش از یکصد سال بعد از جنگ‌های صلیبی نوشته شده باشد. گویا اینکه اگر کتاب البدایه و النهایه را نیز از ابن خلکان (د ۶۸۱ ق) بدانیم، می‌بایست کتاب فتوح الشام مدت‌ها پس از او نوشته می‌شد و باز ربطی به جنگ‌های صلیبی نداشت؛ بنابراین، به یقین می‌توان گفت فتوح الشام موجود، از واقدی نیست.

به شماری رود و کتاب حدیثش عنوان «صحیح» یافته است، می‌تواند پاسخ دیدگاه بدبینانه و مبالغه‌آمیز یاد شده درباره روایات پیشگویانه نیز باشد. سید بن طاووس (د ۶۶۴ ق) روایات کتاب الملاحم و چندین کتاب نایاب دیگر در موضوع «فتن» را با عنوان «الملاحم و الفتن» گردآوری کرده است که آن نیز در ملاحظه روایات پیشگویانه فتوح مفید خواهد بود. ابن کثیر دمشقی نیز کتابی با همین عنوان دارد. افزون بر اینها، بخش زیادی از روایات پیش‌گویانه شهرها در مقدمه کتاب‌های تاریخ محلی، مانند ذکر اخبار اصفهان ابونعیم، تاریخ بغداد خطیب و تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر بازگو شده‌اند.

### کتاب‌های تاریخی فتوح

#### سنت راج در میان نخستین حدثان آن بوده است که روایات و آثار «مکتوب» مشایخشان را به شیوه «نقل شفاهی» با ذکر سلسله سند (اسناد) گزارش کنند.

از میان بیش از ۴۷ عنوان رساله و کتاب فتوح و کتاب‌های مربوط به اخبار شهرها، اخبار فاتحان و الوالیان روزگار فتوح که در منابع تراجم و رجال و فهرست‌ها آمده، شمار بسیار اندکی برجای مانده است که برخی از آنها نیز نامعتبرند. در این جا می‌توان از آثار چاپ شده‌ای چون فتوح الشام و واقدی و فتوح الشام ابواسماعیل محمد بن عبدالله ازدی بصری یاد کرد که هر دو کتاب برای نخستین بار با اهتمام ولیم ناسویلیس در کلکته به چاپ رسیده‌اند. شواهد زیادی در دسترس است که جعلی بودن کتاب فتوح الشام و واقدی و ملحقات آن را که به فتوح بخشی از ایران مربوط است، اثبات می‌کند. در این کتاب قرائن زیادی است که بی‌پایگی آن را هم از جهت استناد به واقدی و هم به لحاظ محتوا نشان می‌دهد. در اینجا تنها به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. نویسنده در صفحه ۵ از «مشایخی» نام می‌برد که بسیاری از آنها مانند: ابوبکر بن حسن بن سفیان نوفلی، ابوسعید مولی هشام، مالک بن ابی الحسن، اسماعیل مولی زبیر و مازن بن عوف به کلی ناشناخته‌اند و کسانی هستند مانند محمد بن عبدالله انصاری که واقدی در هیچ منبعی به عنوان راوی او، شناخته شده نیست.

۲. نویسنده در صفحه ۹۳ اسامی یاد شده در صفحه ۵ را از اصحاب سیره و مغازی می‌داند که از مشایخ موثق است مانند: ابن اسحاق، واقدی و سیف بن عمر روایت کرده‌اند. به دور باطل و تناقض شگرف عبارت توجه فرمایید که چگونه واقدی با واسطه مشایخ خود که در صفحه ۵ یاد شد، از خودش (!) و از سیف بن عمر - راوی موثق (!) - روایت می‌کند.

۳. نویسنده در نقل خود از ابن اسحاق، عباراتی از این نمونه، فراوان به کار برده است: «قال محمد بن اسحاق اموی، قال حدثنا یونس بن عبدالاعلی قرائة علیه بالخضرء بمدینه عسقلان» در این عبارت به لقب «اموی» (ج ۲، ص ۳۶) و به نحوه روایت وی از یونس

خلفا و برخی حوادث تا سال ۲۳۳ هجری از جمله وفیات مشاهیر را گزارش کرده است؛ از این رو مانند تاریخ طبری در شناسایی بسیاری از منابع فتوح به ویژه منابع منحصر به فردی چون ولید بن هشام بن قحذم (۲۲۲ق) و ابو خالد یوسف بن خالد بصری (۱۸۹ق) حائز اهمیت است. در این کتاب نیز عبارت «قالوا» و یا عبارت‌های جزئی و بدون استناد نویسنده، حاوی مشهورات یا اجماعیات تاریخی است که با توجه به منابع شناخته شده خلیفه، می‌توان قائلین این اقوال را به خوبی شناخت. از میان منابع تاریخی متأخر، کتاب‌های تاریخ الاسلام ابو عبد الله محمد بن احمد ذهبی (۷۴۸ق)، به سبب جامعیت و استناد به منابع متنوع و نایاب، جایگاه ویژه‌ای دارد.

کتاب تاریخ الاسلام که از اخبار سیره پیامبر صلی الله علیه و آله تا حوادث سال ۷۰۰ هجری را به شیوه سال نگاشتی در خود جای داده، در مقدمه‌اش از شماری از منابع خود، از جمله طبقات ابن سعد، تاریخ ابن ابی خيثمه، تاریخ هیشم بن عدی، تاریخ و طبقات خلیفه و کتاب فتوح سیف بن عمر نام برده است. ذکر این منابع و استنادهای مکرر به آنها در لابلای کتاب، دارای ارزش کتاب‌شناختی و تاریخ‌نگاری خوبی است؛ به علاوه، به سبب برخورداری این کتاب از اطلاعات رجال‌شناختی و تراجم، منبع مناسبی برای آگاهی‌هایی از این دست می‌باشد. کتاب عیون الاثر ابن سید الناس (۷۳۴ق) به سبب اطلاعات کتاب‌شناختی و سلسله استناد متصلی که در روایت برخی از منابع تاریخ‌نگاری فتوح، مانند ابن اسحاق و واقدی ارائه می‌دهد، ارزشمند است.

### تاریخ‌های عمومی

تاریخ‌های عمومی، آن دسته از آثار وقایع‌نگاشتی هستند که در قیاس با گونه‌های وقایع‌نگاشتی دیگر، مانند تواریخ دودمانی، محلی، منابع تبارشناختی و سیره‌شناختی مشتمل بر مواد تاریخی بیشتر، از قبیل اخبار پیامبران، پادشاهان، معارف، اخبار ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است. در میان این دسته از منابع، کتاب المعارف ابن قتیبه دینوری (۲۷۶ق) اولین اثر تاریخ‌نگاری عمومی با گرایش تراجم و تاریخ‌نگاری فرهنگ و ادب است و از این رومی‌توان آن را در شمار کتاب‌های تراجم و رجال جای داد. ابن قتیبه به اقتضای طرح خود در این کتاب به اخبار کوتاه و فهرست‌وار حوادث دوران خلفا، از جمله فتوح بسنده کرده است؛ از این رو در قیاس با گزارش‌های فتوح خلیفه بن خیاط در نیم قرن پیش از خود و نیز در مقایسه با روایات مورخ معاصرش طبری، ناچیز به نظر می‌رسد.

در کنار اینها از قراین دیگری می‌توان به دست آورد که واقدی، اخبار فتوح را در بخش مفقود شده کتاب المغازی آورده است. پیش از این گذشت که بر اساس گزارش سرخسی، بخشی از روایات فتوح عراق و ایران، ضمیمه کتاب المغازی واقدی بوده است که متأسفانه در چاپ‌های فعلی نیست.<sup>۲۱</sup>

### کتاب‌های رجال، تراجم و انساب

کتاب‌های طبقات الرجال از نخستین صورت‌های تاریخ‌نگاری اسلامی پس از تاریخ‌نگاری سیره و مغازی است که به منظور کمک به اتقان و شناخت صحیح اسناد و مشایخ حدیث، تدوین یافته است. در میان آثار موجود فضل سبقت با کتاب طبقات ابن سعد (۲۳۰ق) است. این کتاب در ربع اول سده سوم، اولین نمونه بزرگ از این دست نگارش‌هاست که بر اساس روایات نخستین کتاب‌های نایابی مانند

طبقات هیشم بن عدی، واقدی و مدائنی و کتاب انساب هشام بن الکلبی (۲۰۴ق) تألیف یافته است؛ لذا جایگاهش در تحقیق پیش رو، به ویژه در شناخت نخستین فتوح‌نگاران پررنگ‌تر است.

پس از آن در میان انواع کتاب‌ها و فرهنگ‌نامه‌های تراجم و رجال، نقش تاریخ بغداد خطیب، الاستیعاب ابن عبدالبر، الانساب سمعانی، اکمال الکمال ابن ماکولا، تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر، وفیات الاعیان ابن خلکان، معجم الادباء، بغیة الطلب ابن عدیم و الاصابة فی تمییز الصحابه ابن حجر در خصوص شناسایی نخستین نسخه‌های منابع فتوح‌نگاری مانند کتاب‌های سیف بن عمرو واقدی، ضبط صحیح عنوانین، زندگی‌نامه‌ها و شناسایی شماری از منابع نایاب،

برجسته است؛ به ویژه در آثار ابن عساکر و ابن حجر، اطلاعات ارزشمند و بی‌مانندی درباره این خصوص دیده می‌شود. کتاب تعلق التعلیق ابن حجر از جهت آنکه سلسله اسناد متصل ابن حجر به برخی از کتاب‌های کهن حدیثی و تاریخی گذشته را ارائه می‌دهد، بسیار کارگشا و گرانبهاست. مقدمه مبسوط کتاب الوافی بالوفیات صفدی نیز در بررسی کلیات و مبانی تاریخ‌نگاری اسلامی و معرفی بسیاری از منابع تاریخی به ویژه فتوح، ستودنی است.

### کتاب‌های سیره شناختی

در میان این دسته از منابع، کتاب تاریخ خلیفه ابن بن خیاط (۲۴۰ق) نخستین اثر است که به طور فشرده و به روش اسنادی، بسیاری از حوادث سیاسی - اجتماعی به ویژه فتوح دوران رسول الله ﷺ و

۲۱. رک به: شرح السیر الکبیر؛ ج ۱، ص ۱۴۷.

درگذشته و به این سده تعلق دارد، بررسی این دسته از منابع فتوح وی، از قلمرو تحقیق خارج است و در مجال دیگری باید بررسی شود.

نکته دیگر آنکه طبری، مانند دیگر مورخان پیش از خود، به ذکر اقوال مورد وفاق و مشهوراهتمام دارد و در ذیل واژه «قالوا» یا در قالب عبارات‌های انجامی و غیراسنادی، این مواد را گزارش می‌کند. با توجه به اسناد شناخته شده وی و یادکردی که او در ضمن اقوال مشهور از فرد فرد قائلان این اقوال دارد، می‌توان منابع این اقوال را شناسایی کرد و آنها را به سیاهه روایات راویان افزود. بی تردید بیشترین تمرکز و توجه تاریخ طبری مانند فتوح البلدان بلاذری به شرق اسلامی است. این اثر، حوزه غرب اسلام و حتی سوریه را که پایتخت امویان بوده، نادیده گرفته است.<sup>۲۲</sup>

کتاب‌های مروج الذهب و التنبیه والاشراف مسعودی (۳۴۶ق) آثاری است که به شیوه موضوعی وقایع‌نگارشی و تا حدی با رعایت ترتیب حولی حوادث تنظیم شده و به اقتضای علاقه مؤلف به مطالعات میدانی و فرهنگی، متمایل به منابع جغرافیایی و ادبی نگارش یافته است. کتاب‌شناسی تاریخی که او در آغاز مروج الذهب ارائه کرده، در هیچ کتابی پیش از آن شناخته شده نیست. هر چند او در این فهرست از بسیاری از کتاب‌های فتوح نام نبرده است، اما گزارش‌های او از فتوح خلفا و اشاره‌ای که به عنوان برخی از منابع فتوح، مانند فتوح الامصار و اقدی دارد و نیز ارجاع‌هایی که به برخی از راویان و نویسندگان اخبار فتوح، مانند ابن اسحاق، مدائنی، ابومخنف، هیثم بن عدی، هشام بن الكلبي، شرقی بن القطامي، ابن ابی خيثمه، ابن دأب، عبدالله بن عتبة، علقمة بن عبد الله المزني و سعید بن مسیب، می‌دهد، سودمند است. به ظاهر، مسعودی نیز چون طبری و بلاذری به ذکر اقوال مشهور و مورد وفاق اهتمام دارد. صاحبان این اقوال با توجه به عنوان منابع وی که در ضمن گزارش حوادث، به آنها اشاره شده تا حدی شناختنی است.

ادبیات ابونصر بن مطهر بن طاهر مقدسی (د. بعد از ۳۵۵ق) در کتاب البدء والتاریخ به لحاظ اختصار و اکتفا به اقوال مشهور و عدم ذکر منابع، شبیه ادبیات مورخان معاصرش ابن اعثم و قدامة بن جعفر است؛ چنان‌که مانند آنان از روایات فتوح و اقدی، ابن اسحاق، ابن کلبی، بهره فراوانی برده است. امتیاز تاریخ مقدسی در استفاده از اخبار فتوح کتاب خدا اینامه است که هر چند به لحاظ کتاب‌شناسی فتوح قابل توجه است، اما ناشناخته است.

در میان منابع تاریخی متأخر، کتاب البدایه والنهایه ابوالفداء

۲۲. از گزارش طبری معلوم می‌شود عراق، معیار مورخان در تقسیم مملکت اسلامی به شرق و غرب بوده است. او درباره حجاج می‌نویسد: «كان الأمير على العراق كله والمشرق كله الحجاج بن يوسف» (طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۵، ص ۱۳۸). این تعبیر بارها در دیگر روایات تکرار شده است (رک به: یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۱۳۷ و طبری، همان، ج ۵، صص ۱۴۲، ۲۱۶، ۳۷۳ و ۴۳۹)، بنابراین غرب عراق، سوریه تا اندلس را شامل می‌شود.

کتاب الأخبار الطوال ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری (۲۸۲ق) دومین اثر تاریخی عمومی پس از المعارف و نخستین کتاب در تاریخ مفصل اسلام و ایران است. مؤلف تحت عناوین و سرفصل‌های تاریخی به تبیین حوادث پرداخته، بدون ذکر سلسله اسناد در نقل حوادث، سعی در به دست دادن متنی یکدست و برگزیده از اخبار تاریخی کرده است. دینوری از نقل حوادث به گونه تقطیع شده پرهیز کرده، چون به موضوعی تاریخی می‌پردازد، آن را دنبال کرده، به پایان می‌رساند؛ بدین ترتیب اثر او بر پایه شیوه موضوعی نگارش یافته و در عین حال بر توالی زمانی و تاریخی است. دینوری از منابع خویش یاد نکرده و تنها در مواردی از برخی از راویان مانند هیثم بن عدی سخن گفته است. الاخبار الطوال با شرح زندگی فرزندان آدم عليه السلام آغاز می‌شود و با مرگ معتصم (در ۲۲۷ق) پایان می‌یابد. در جای خود به نقد و بررسی این کتاب خواهیم پرداخت.

ابن واضح یعقوبی (د بعد از ۲۹۲ق) در کتاب تاریخ خود که بر اساس موضوع و به گفته خودش متمایل به شیوه سال‌نگاری تدوین کرده است، هر چند پیش از ذکر حوادث دوران اسلامی، از منابع خود از جمله و اقدی، مدائنی، ابن اسحاق، ابومندرابن الكلبي و ابومعشر نجیح مدنی نام می‌برد، اما او نیز گویا در نقل حوادث به دنبال رویدادهای مورد وفاق و یا به نظری، معتبر است و عموم گزارش‌هایش به شیوه انجامی و غیراسنادی است. هر چند، گاهی به اقوال دیگر بدون ذکر نام اشاره می‌کند. بنابراین، کتاب وی نیز در خصوص شناسایی و بررسی اقوال مشهور قابل توجه است. او بر خلاف خلیفه که حوادث فتوح را در متن حوادث روزگار هر خلیفه نهاده، اخبار خارجی حکومت را در حاشیه قرارداد، بلکه در قیاس با تاریخ دینوری بسیار ناچیز است. به این دلیل و به دلیل غیراسنادی بودن روایاتش از اولویت مطالعاتی این کتاب خارج است، اما جزئی از منابع نخستین به شمار می‌رود.

تاریخ طبری (۳۱۰ق) که در نوع خود به لحاظ جامعیت، به کارگیری شیوه اسنادی، حفظ ترتیب حولی / سنواتی حوادث و انبوهی منابع بی نظیر است، به سبب اهمیتی که به ذکر اسناد دارد، در شناسایی بسیاری از فتوح نگاری‌های کهن، مفید و در مورد منابعی چون کتاب الفتوح الکبیر سیف بن عمر (د. بعد از ۱۷۰ق) حائز اهمیت بسیار است. اگر از روایات سیف صرف نظر کنیم، بسیاری از منابع طبری با دیگر مورخان پیش از خود، مشترک است؛ بنابراین با بررسی آثار مورخان و راویان فتوح قبل از طبری و نیز با نقد مستقل آثار سیف بن عمر به عنوان یکی از فتوح نگاران سده دوم، به بسیاری از منابع فتوح نگاری طبری دست خواهیم یافت و نیازی به بررسی جداگانه منابع طبری نیست. هر چند وی در خصوص اخبار فتوح دهه‌های پایانی سده دوم و نیمه اول قرن سوم از منابع پراکنده و متنوع نقل می‌کند که خود تحقیق مستقل می‌طلبد و از آنجا که وی در پایان دهه اول قرن چهارم

سال ۳۷۸ تدوین شد، نایاب است؛ اما بخشی از ترجمه فارسی کتاب که شامل پنج باب از بیست باب متن اصلی آن می‌باشد، حاوی اطلاعات ارزشمند تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی، مردم‌شناختی و فرهنگی است. ارزش کتاب شناختی این اثر از آن جهت است که باب پنجم در گزارش اخبار فتوح اهواز و شوش و شوشتر، از کتاب کهن و نایاب فتوح اهل الاسلام ابو عبید معمر بن المثنی (د ۲۰۷ق) نام می‌برد و نیز از کتاب‌های محمد ابن اسحاق و عبد الملک بن مخبر بن قحذم روایت می‌کند. روایت فتح قم در باب اول را نیز به کتاب نایاب دیگر، یعنی کتاب همذان ابوعلی عبد الرحمن بن عیسی کاتب بکر بن عبد العزیز نسبت می‌دهد.

کتاب طبقات المحدثین باصبهان ابوالشیخ الانصاری (د ۳۶۹ق) به تصریح مؤلف، با هدف معرفی و ذکر روایات صحابه و تابعین مهاجر به اصفهان و دیگر علمای مقیم این شهر تألیف شده است؛ با وجود این، آگاهی‌هایی در زمینه محاسن اصفهان و جغرافیای طبیعی و شهری آن به دست می‌دهد و جالب آنکه نویسنده، امام حسن بن علی علیه السلام را نخستین صحابی وارد به اصفهان معرفی می‌کند که به منظور شرکت در فتح جرجان از این شهر گذشته است.<sup>۲۴</sup> در هر حال، او در گزارش اخبار فتوح اصفهان با سلسله سند متصل، یک روایت از طریق عبد الرحمن بن عمر بن رسته از حماد بن سلمه از معقل بن یسار صحابی، روایت دیگری از طریق محمد بن عبد الله انصاری از قاسم بن عوف از سائب بن اقرع صحابی و روایت سوم را از طریق مجالد بن سعید از عامر شعبی نقل می‌کند. حماد، انصاری، مجالد شعبی، از نخستین منابع اخبار و روایات فتوح به شمار می‌روند.

کتاب ذکر اخبار اصفهان ابونعیم احمد بن محمد بن عبد الله اصبهانی (د ۴۳۰ق) در مواد خود تا حدودی همانند مواد کتاب طبقات است؛ جز آنکه در این کتاب، ترتیب مواد بر اساس الفباست و نسبت به آن آگاهی‌های بیشتری درباره ویژگی‌های اقلیمی، تاریخی، منابع، شناسه‌های فرهنگی، علمی، جغرافیای شهری و اقتصادی اصفهان به دست می‌دهد؛ از این رو در این کتاب، به منابع تاریخی متنوع‌تری در خصوص فتح اصفهان بر می‌خوریم که از صحابه می‌توان به سائب بن اقرع، معقل بن یسار و ابوموسی اشعری اشاره کرد و از غیر صحابه به محمد بن عبد الله انصاری، عقیان بن مسلم، ابوعوانه، حماد بن سلمه، سلیمان یشکری، شعبی، سیف بن عمر تمیمی، حمید بن عبد الرحمن، مجالد بن سعید، هشام بن عدی و علی بن محمد مدائنی اشاره کرد.

کتاب تاریخ بغداد تألیف ابوبکر احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی

اسماعیل بن کثیر (د ۷۷۴ق) از شاگردان نامدار ذهبی، به سبب جامعیت و استناد به منابع متنوع و نایاب جایگاه ویژه‌ای دارد. این کتاب روایات و اخبار مربوط به آغاز خلقت و پیامبران و پادشاهان و ملت‌ها را تا حوادث سال ۷۶۷ ق به روش سال‌نگاشتی در خود جای داده است. این کتاب به سبب دارا بودن حجم مواد تاریخی بیشتر و رعایت تسلسل و انسجام داخلی حوادث و استنادهای طولانی و مستقیم‌اش به منابع و نیز مقایسه انتقادی که میان روایات انجام می‌دهد، ممتاز است؛ برای مثال، در خصوص روایات فتوح، فراوان از منابعی چون ابن اسحاق، سیف بن عمر، مدائنی، ولید بن مسلم، ابو حذیفه اسحاق بن بشر مروزی (در اخبار فتوح شام)، ابو عبید قاسم بن سلام، ابو مخنف، هشام بن الكلبی، خلیفه بن خیاط، ابو معشر نجیح مدنی، یعقوب بن سفیان فسوی و عبد الله بن لهیعه (در اخبار فتوح شام) نقل می‌کند و گاهی روایات موجود در کتاب الفتح سیف بن عمر را با آنچه طبری نقل کرده است، مقایسه می‌کند. هر چند او نیز با وجود نقادی‌های رجال‌شناختی که در مواردی چون روایات غدیر دارد، مانند طبری از مواد تاریخی سیف بن عمر فراوان بهره برده است.

### کتاب‌های تاریخ محلی

تفاوت کتاب‌های تاریخ محلی با تواریخ دیگر، انحصار گزارش‌های تاریخی آنها به شهر یا ناحیه و سرزمین خاص است. برخی از تواریخ محلی را می‌توان به اعتبار درج مواد جغرافیایی، از این دست منابع نیز به شمار آورد. در این تحقیق علاوه بر این که از این کتاب‌ها اطلاعات اقلیمی به ویژه درباره تعریف ایران دوره فتوح و ضبط اسامی شهرها و نواحی گرفته شده است، در قلمرو کتاب‌شناسی‌های فتوح محلی و جز آن، در شناخت منابع مفقود شده و شناخت راویان نیز استفاده شده است. به ظاهر، نخستین آثار مکتوب تاریخ‌نگاری محلی به ربع اول قرن دوم هجری می‌رسد و گفته می‌شود حسن بصری دارای کتاب تاریخ مکه بوده است.<sup>۲۵</sup>

از میان تواریخ محلی مربوط به تاریخ ایران که موجود است، کتاب تاریخ بخارا یا اخبار بخارا نوشته ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی (د ۳۴۸ق) است. متن عربی این کتاب که در قلمرو سامانیان تهیه شده، به دلیل ترجمه توأم با حذف و اضافات نصر بن محمد قباوی به سال ۵۲۲ و تلخیص و افزودن محمد بن زفر به سال ۵۴۸ ق و اضافات بعدی، به دست ما نرسیده و غالب روایات آن بی‌مأخذ است؛ اما از آن جهت که شماری از اخبار فتوح را از نسخه‌های نایاب کتاب الدوله و کتاب فتوح خراسان سلیمان بن صالح سلمویه لیبی (د ۲۱۰ق) و کتاب تاریخ الکوفه محمد بن جعفر بن النجار الکوفی (د ۴۰۲ق) نقل کرده، حایز اهمیت است. نسخه عربی کتاب تاریخ قم از حسن بن محمد بن حسن قمی که به درخواست صاحب بن عباد به

۲۳. شلتوت؛ مقدمه؛ مندرج در کتاب تاریخ المدینه المنوره ابن شبه؛ ج ۱، ص ۱۱.

۲۴. رک به: ابوالشیخ؛ همان، ج ۱، ص ۱۹۳. حمزه بن یوسف سهمی، نام امام حسین علیه السلام را ذکر کرده و حضور امام حسن را به قولی ضعیف نسبت می‌دهد (سهمی، تاریخ جرجان، ج ۱، ص ۴۶). این در صورتی است که ابونعیم از آمدن امام حسن رضی الله عنه به اصفهان یاد می‌کند (ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۴۴).



تدوین شده است؛ اما چهار فصل به تاریخ فتوح، فضایل، جغرافیای تاریخی و طبیعی شهر و اطراف آن پرداخته است. در اخبار فتوح قزوین به کتاب ناشناخته و نایاب البلدان<sup>۲۸</sup> ابوسعید حسین بن حسن سکری بصری (۲۷۵ق) استناد می‌کند؛ چنان‌که از کتاب بکربن هیشم از مشایخ ناشناخته بلاذری و یکی از اخباریان نیز درباره نخستین والیان و فاتحان شهر نقل روایت می‌کند.

### کتاب‌های جغرافیایی

جغرافیا دانشی است که درباره سطح زمین و عوارض طبیعی، آب و هوا، رویدنی‌ها، جنس خاک، فرآورده‌ها، انسان‌ها و پراکندگی آنها در سطح زمین سخن می‌گوید (جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، ص ۵)؛ بنابراین منظور از منابع جغرافیایی در این تحقیق، آن دسته از کتاب‌هایی هستند که فاقد چنین انحصاری‌اند و عموماً حاوی اطلاعاتی در زمینه آب و هوا، مختصات زمین‌شناختی و طبیعی یا ویژگی‌های منابع انسانی، فرهنگی، اقتصادی

و مانند اینها هستند؛ برای این اساس می‌توان گفت کتاب فتوح البلدان [کتاب البلدان، فتوح‌ها و احکامها] احمد بن یحیی بن جابر بن داوود بلاذری (۲۷۹ق) در نوع خود از نخستین کتاب‌های جغرافیایی موجود است و با وجود این، از آخرین کتاب‌های تاریخ‌نگاری فتوح با شیوه «اسنادی» و خبری به شمار می‌رود. شرح و تفصیل مقتضی درباره این کتاب، ذیل فصل چهارم خواهد آمد؛ اما مهم، مرجعیت کتاب وی در شناسایی و تهیه مواد این تحقیق است؛ لذا در این تحقیق بخشی از نخستین منابع فتوح و حتی نظم مطالب آنها با استناد به تک‌تک روایات و نیز روایات مشهوری که در ضمن آنها بسیاری از رویان نام برده شده‌اند، شناسایی و معرفی شده‌اند؛ برای مثال، آشنایی ما به وسیله این کتاب با راویانی چون حسین بن اسود عجلی، ولید بن صالح، عمرو بن ناقد، عباس بن ولید بن هشام کلبی، عفان بن مسلم، ابومسعود بن فرات و شیبان بن ابی شیبه منحصر به فرد است.

در این میان، کتاب مختصر البلدان پدر جغرافیای اسلامی، ابن واضح یعقوبی (۲۸۴ق) در نوع خود با اهمیت است. این کتاب علاوه بر گزارش‌های مختصری که به ویژه درباره فتوح شرق اسلامی ارائه می‌دهد، از جهت توپوگرافی و ارائه اطلاعات جغرافیای بشری و آمایش جمعیتی اقوام عرب و عجم در شهرهای ایران بی‌نظیر است؛ افزون بر این، در این کتاب می‌توان اطلاعات جامع و منظمی درباره سلسله

۲۸. به ظاهر، این کتاب همان کتاب المناهل والقری است که ابن ندیم در فهرست کتاب‌های او نام می‌برد. ابن ندیم او را عارف به ایام و لغت و شعر می‌داند و از خط او بسیار نقل می‌کند (رک به: ابن ندیم، الفهرست، صص ۸۶، ۱۱۹ و ۱۲۰).

(۴۶۳ق) فرهنگنامه بزرگ رجالی و تراجم محدثان و شخصیت‌های علمی و ادبی است که تا اندکی پیش از زمان تدوین به بغداد آمده‌اند، این کتاب نیز مانند بیشتر منابع تاریخ محلی، اطلاعاتی در خصوص جغرافیای تاریخی بغداد، محاسن و فتوح آن ارائه می‌کند. خطیب در گزارش فتوح دهکده «بگ داد» در عصر حاکمیت ساسانیان، تنها یک روایت آورده است و آن، روایت اسماعیل بن عطار از ابو حذیفه اسحاق بن بشر از ابن اسحاق است که همه از منابع فتوح نگاری به شمار می‌روند (همو، ۱۹۹۷، «ت» ج ۱، ص ۱۸). کتاب تاریخ بغداد علاوه بر ترجمه ۵۰۰۰ محدث و بیش از ۲۸۰۰ تن از دانشوران و رجال دیگر، بالغ بر ۴۴۸ عنوان کتاب در زمینه‌های علوم قرآن، علوم حدیث، فقه، کلام، تاریخ و اخبار، سیره، تصوف، لغت و جغرافیا را نام برده است که بیش از نیمی از آنها در کتاب الفهرست ابن ندیم دیده نمی‌شود.<sup>۲۹</sup> از این رو در این تحقیق می‌توان بسیاری از آگاهی‌های رجال‌شناختی، تراجم و کتاب‌شناختی را از تاریخ بغداد به دست آورد.

### تفاوت کتاب‌های تاریخ محلی با تواریخ دیگر، انحصار گزارش‌های تاریخی آنها به شهر یا ناحیه و سرزمین خاص است.

کتاب تاریخ مدینه دمشق ابن عساکر ابوالقاسم علی بن الحسن الشافعی (۵۷۱ق) از پُر‌اعلام‌ترین فرهنگ‌نامه‌های محلی است. این کتاب علاوه بر درج اخبار مربوط به سابقه تاریخ دینی شام در عصر پیامبران، پیش‌گویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص فتح شام، غزوات و سیره آن حضرت، فتح شام در عصر خلفا، محاسن و جغرافیای تاریخی دمشق، حاوی آگاهی‌های خوبی درباره تراجم و منابع فتوح نگاری است؛ برای مثال، علاوه بر ذکر روایات فتوح واقدی، کتاب الصوائف<sup>۲۶</sup> او برای نخستین بار در این کتاب معرفی شده، مورد استناد قرار گرفته است؛<sup>۲۷</sup> نیز بسیاری از اخبار فتوح خلیفه بن خیاط و نسخه‌های کتاب تاریخ، روایات فتوح بلاذری و دیگر منابع فتوح در این کتاب بازگو و معرفی شده‌اند. کتاب التدوین فی ذکراهل العلم بقزوین از ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد بن الرافعی (۶۲۳ق) به قول نویسنده درباره اهل علم قزوین اعم از صحابه و تابعین و دیگران

۲۵. رک به: عطا، المقدمة، مندرج در تاریخ بغداد خطیب؛ ج ۱، صص ۲۲-۲۳.  
۲۶. «صوائف» جمع صائفة، به معنی جنگ‌های دول اسلامی با رومیان است که به سبب سرما و یخبندان روم در فصل تابستان انجام می‌یافته است (جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۳۸). بر اساس روایات موجود، این جنگ‌ها از زمان خلافت عمر بن خطاب، در سال ۲۲ هجری تا حدود نیمه سده سوم در زمان منتصر عباسی به سال ۲۴۷ تا دوام یافت. «مشتی» در نقطه مقابل صائفة به جنگ‌های زمستانی مسلمانان با روم اطلاق می‌شده است.  
۲۷. مسعودی با اشاره به تبادل اسرای روم و عراق در زمان خلافت واثق (حک: ۲۲۸-۲۳۲) به کتاب‌های الصوائف ارجاع می‌دهد؛ اما از مؤلف آنها نام نمی‌برد (مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۱۱۱). نگارنده در جستجوی خود تنها به دو کتاب با این عنوان دست یافته است؛ یکی کتاب واقدی و دیگری کتاب الصوائف محمد بن عائذ قرشی دمشقی کاتب (۱۵۵-۲۳۳ق). این عساکر در چند مورد از کتاب الصوائف واقدی که به جنگ‌های روم اختصاص دارد، نقل می‌کند (ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۱۲، ج ۳، صص ۸۰ و ۳۲۷، ج ۳، ص ۱۱۴، ج ۳۴، ص ۳۳۴ و ج ۵۶، ص ۳۲۷). مزی نیز در تهذیب الکمال (ج ۱۵، ص ۴۵۷) از این کتاب یاد کرده است.

این کتاب علاوه بر درج مواد ارزشمند در طبقه‌بندی علوم و دانشوران صاحب‌قلم، آگاهی‌های خوبی در زمینه کتابت، خط، قلم، کتابخانه‌ها، کتاب‌های ترجمه‌شده و تاریخ ملل و نحل به دست می‌دهد. استنادهای مکرر مورخان و محدثان شیعه و سنی به مواد این کتاب، تردیدی در اصالت آن برجای نمی‌گذارد.<sup>۲۰</sup> در عین حال، جزئیات گزارش‌های ابن ندیم خالی از نقد نیست. این نکته را در مواردی چند از این تحقیق گوشزد کرده‌ایم؛ در هر حال، این کتاب از منابع مهم کتاب‌شناسی فتوح در این تحقیق است؛ زیرا بخش بزرگی از فهرست نخستین فتوح نگاری‌های اسلامی را تنها در این کتاب می‌توان جستجو کرد. نجاشی در فرهنگنامه رجال (فهرس اسماء مصنفی الشیعه) هم اسناد خود را به بسیاری از این منابع ذکر کرده و هم آگاهی‌های خوبی از منزلت رجالی مصنفان و آثار تاریخی و فتوح نگاری آنها ارائه می‌کند. این کتاب و فرهنگنامه فهرست شیخ طوسی که پس از آن و در تکمیل و تنقیح آن تدوین شده، از منابع مهم نخستین منابع مکتوب شیعی مانند فتوح ابومخنف و هشام ابن الکلبی و برخی مواد تاریخی و رجالی در این تحقیق است.

در میان فرهنگ‌نامه‌های کتاب‌شناسی، مقدمه مبسوط حاجی خلیفه چلبی در کتاب کشف الظنون درباره علوم، طبقه‌بندی و فرایند تدوین آن در اسلام و نیز آگاهی‌های کتاب‌شناختی آن در تکمیل فهرست منابع این تحقیق مفید بوده است. از میان دیگر منابع کتاب‌شناختی این تحقیق، می‌توان به کتاب‌های اکتفاء القنوع از فاندیک ادوارد، معجم المطبوعات العربیه از الیان سرکیس، ایضاح المکنون (تنظیم یافته بر اساس ترتیب کتاب) و هدیة العارفين (ترتیب یافته بر اساس ترتیب مؤلفان) از اسماعیل پاشا، و کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعه از شیخ آقابزرگ تهرانی اشاره کرد. در میان این عناوین، از مطالعات انتقادی نویسندگان کتاب‌های اکتفاء القنوع، معجم المطبوعات و الذریعه نسبت به برخی منابع و نیز آگاهی‌هایی که در خصوص نسخه‌های موجود و به چاپ رسیده به دست می‌دهند، نمی‌توان چشم پوشید.

### کتاب‌های تاریخ نگاری

مقدمه کتاب الوافی بالوفیات صَفَدی (۷۶۴ق) را می‌توان از نخستین پژوهش‌ها در شناخت منابع و تاریخ نگاری اسلامی به شمار آورد. او در این مقدمه، علاوه بر بررسی‌های کلی درباره مفاهیم و مبانی

فاتحان و والیان حدود ۲۵۰ سال دوره اسلامی در سجستان و خراسان بزرگ به دست آورد که در کتاب‌های مشابه بی سابقه به نظر می‌رسد.

کتاب الخراج و صنعة الکتابه ابوالفرج قدامة بن جعفر (بعد از ۳۲ق) در زمینه تعریف ایران و برخی از سرزمین‌های وابسته به آن و نیز درباره تاریخ اسلام و مباحث اجتماعی، سیاسی و جغرافیای جهان اسلام و شهرهای فتح شده، از جمله «ایران شهر» یا بلاد فارس، کتابی است ستودنی، خوش‌خوان و حاوی اطلاعاتی ارزشمند. قدامه مانند بسیاری از مورخان در گزارش اخبار فتوح، توجه به اقوال مشهور و اتفاق آراء دارد و مانند خلیفه بن خیاط، بلاذری و طبری، ذیل اقوال مشهور، به منابعی چون واقدی، مدائنی، ابن الکلبی، هیثم بن عدی، ابو عبید قاسم بن سلام و یحیی بن آدم اشاره می‌کند.

از کتاب‌های المسالک و الممالک ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصطخری (۳۴۰ق) کتاب البلدان ابن الفقیه (۳۶۵ق)، صورة الارض ابوالقاسم بن حوقل (۳۶۷ق) احسن التقاسیم ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی (۳۹۰ق)، المسالک و الممالک ابو عبید بکری (۴۸۷ق) فارسانه ابن بلخی (د پس از ۵۱ق)، در تعریف برخی از اصطلاحات جغرافیایی استفاده شده است. کتاب ابن الفقیه همدانی به سبب ارائه آگاهی‌های منظم از رویدادهای سیاسی و اجتماعی به ویژه فتوح، از دیگر منابع جغرافیایی ممتاز است؛ اما جنبه اسطوره‌ای برخی از حکایات وی و نیز وجود تشویش در نظام ارجاعات این کتاب، از اعتبار آن کاسته، کارشناسایی منابع آن را دشوار کرده است.

معجم البلدان شهاب الدین عبدالله حموی معروف به یاقوت (۶۲۶ق) آخرین و بزرگ‌ترین فرهنگنامه توصیفی و جغرافیایی - لغوی در پایان عصر مغول است. نویسنده در ذیل ۱۰۹۱ عنوان، گنجینه‌ای از اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، کتاب‌شناختی، تراجم و رجال و به ویژه نحوه تلفظ نام‌های جغرافیایی را در اختیار می‌نهد. یاقوت حموی علاوه بر منابع جغرافیایی، بسیاری از منابع مکتوب، از جمله فتوح نگاری‌ها را در اختیار داشته است؛ از این روشماری از منابع کهن فتوح اسلامی چون ابو حذیفه اسحاق بن بشر، ابن الکلبی، واقدی، ابن اسحاق، مدائنی و شعبی را می‌توان در این مجموعه شناسایی کرد و از همه اینها مهم‌تر آنکه می‌توان به ارزیابی اتقان و ضبط فتوح نگاری‌های موجود مانند روایات فتح البلدان نیز پرداخت.

### کتاب‌شناسی‌ها

شواهد نشان می‌دهند در نیمه سده دوم هجری همزمان با پیدایش اولین آثار مدون، نخستین گام‌ها در مطالعات مربوط به تاریخ علوم و کتاب‌شناسی برداشته شده است؛ اما در میان آثار به جای مانده، فضل سبقت با کتاب فهرست محمد بن اسحاق الندیم است.<sup>۲۹</sup>

۲۹. رک به: سزگین؛ تاریخ التراث العربی؛ التدوین التاريخی؛ ص ۲۸۹-۲۹۲.

۲۰. استنادهای مکرر کتاب‌شناسان و مورخان بزرگی چون نجاشی (۴۵۰ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق)، ابن الباجی (۴۷۴ق)، یاقوت حموی (۶۲۶)، جمال الدین قفطی (۶۴۴)، ابن نجار بغدادی (۶۴۳ق)، ذهبی (۷۴۸ق) و ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ق) به فهرست ابن ندیم، اعتبار جهانی فهرست وی پایه بودن برخی تردیدها در این باره را کاملاً اثبات می‌کند (رک به: نجاشی، الرجال، ص ۱۱۵، طوسی، الفهرست، صص ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۶۲، ۲۷۷، ابن باجی، التعديل والتجريح، ج ۱، ص ۲۲۹، ابن نجار، ذیل تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۷ و ج ۴، ص ۹۱، ۹۳، ۱۶۲ و ۲۰۴، قفطی، انباه النجاة، ج ۱، ص ۴۳، ۴۴، ۳، ص ۳۳۰؛ حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۱۶۰، ۱۶۳؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۲۰۱ و ج ۱۰، ص ۲۰۰، ابن حجر، الاصابة فی تمییز الصحابه، ج ۳، ص ۳۳۰).

### پژوهش‌های نوین

ادوارد براون در تاریخ ادبی ایران مبحثی را به تاریخ «تدوین در اسلام» اختصاص داده است. این کتاب نیز هر چند با نمونه‌های پیشین هموزن نیست، اما در هر حال، می‌تواند نمونه‌ای از برداشت متعارف شرق‌شناسان اواخر سده نوزدهم میلادی درباره خود باشد. احمد امین مصری نیز دست‌کم در میان عرب‌نویسان پس از حسین نصار، از نخستین‌هاست و تا حدی حلقه‌ی رابط مطالعات غربی، به ویژه مطالعات آلمانی‌زبان با تاریخ‌نگاری‌های جدید عرب است؛ برای مثال او بخش مهمی از کتاب المغازی الأولى هورویتز درباره نخستین تاریخ‌نگاری‌ها را در جلد دوم کتاب ضحی الاسلام به‌تمامی آورده است؛ بنابراین باید گفت کتاب‌های او با عنوان فجر الاسلام (بامداد اسلام) ضحی الاسلام (پرتواسلام) ظهر الاسلام (نیمروز اسلام) و یوم الاسلام (روزگار اسلام) از نخستین آثار مربوط به مطالعاتی درباره تاریخ سیاسی و فرهنگ و تمدن اسلامی است.

مطالعات تحقیقی کسانی چون مارسدن جونز در مقدمه المغازی واقدی، حسین نصار در مقدمه فتوح البلدان، اکرم ضیاء العمری و سهیل زکارد در مقدمه تاریخ و طبقات خلیفه بن‌خیاط اطلاعات کتابشناختی مفیدی در حوزه فتوح و تراجم و رجال به دست می‌دهند. سید حسین مدرسی طباطبایی در جستجو، شناسایی و بررسی نخستین منابع مکتوب شیعه در سه قرن اول هجری به توفیقات خوبی دست یافته است. کتاب وی با عنوان میراث مکتوب شیعه از جهت مبنا و محتوا با تحقیق پیشرو مشابه است؛ لذا الگوی خوبی برای این دست مطالعات خواهد بود؛ افزون بر این، می‌توان برخی از آگاهی‌های کتابشناختی و تراجم به ویژه درباره مورخان نخستین شیعی را از آن گرفت. چوکسی جمشید در کتاب ستیز و سازش زرتشتیان با مسلمانان غالب، نقش روایات مربوط به پیش‌گویی‌های فتوح در فتوح امم قبل و مسلمانان را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق بر اساس این پژوهش، برای اولین بار، کتاب‌های کهن ملاحم و فتن نیز در شمار منابع فتوح قرار گرفته‌اند.

تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، فهرستی از کتاب‌های تاریخی به دست داده است. در این فهرست هر چند از هیچ عنوان فتوح نگاری، حتی کتاب فتوح البلدان بلاذری نام نبرده، اما به منابعی که قاعدتاً حاوی اخبار فتوح‌اند، مانند کتاب‌های تاریخ خراسان احمد بن سیار و تاریخ اصفهان حمزه بن علی، ذکر اخبار اصفهان ابونعیم، کتاب التدوین فی اخبار قزوین رافعی، تاریخ العجم و بنی‌امیه هشتم بن عدی، اخبار الأمویین علی بن مجاهد اشاره کرده است.

با وجود این، در میان پژوهش‌های مستقل تاریخ‌نگاری اسلامی، کتاب الإعلان بالتویخ سخاوی (۸۳۱-۹۰۲ ق) از نخستین تألیفات است. سخاوی در جستجوی نسبتاً کامل منابع تاریخ‌نگاری اسلامی و تقسیم‌بندی آنها کاری بی‌بدیل کرده است؛ با وجود این، کتاب او غالباً فاقد وصف و نقد کتابشناختی است؛ چنان‌که در این کتاب توجهی مستقل و جامع به تاریخ‌نگاری فتوح نشده و به لحاظ کمی حتی کمتر از فهرست ابن ندیم به این نوع منابع پرداخته شده است. او ذیل عنوان «تاریخ المدن و تصانیف البلدان» از کتاب تاریخ مصر ابن عبدالحکم و کتاب‌های فتوح الشام و الروم و العراق و المغرب از ابوحنیفه اسحاق بن بشر قرشی نام می‌برد. در جای دیگر، از کتاب فتوح البلدان بلاذری به عنوان یکی از منابعی که به مختصات سرزمین‌ها و اوضاع جغرافیایی پرداخته یاد می‌کند؛ چنان‌که در گزارش خود از منابع تاریخ الاسلام ذهبی از کتاب فتوح سیف بن عمر نیز نام می‌برد.

### کتاب‌های تاریخ ادبیات و فرهنگ اسلام و ایران

در گذشته، کتاب‌های سودمندی نگاشته شده است که در برخی کتاب‌شناسی‌های کهن‌تر، ذیل عنوان «کتاب‌های گوناگون تاریخی» طبقه‌بندی شده‌اند؛ اما همین منابع در طبقه‌بندی‌های نوینی چون طبقه‌بندی بروکلیمان و فؤاد سزگین ذیل عنوان «تاریخ فرهنگ و آداب» یا «تاریخ تمدن و فرهنگ» جای گرفته‌اند. بر این اساس، کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ ق) از نخستین و جامع‌ترین کتاب‌ها درباره تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی است که اسلوب اسنادی آن در این تحقیق جالب توجه است؛ به علاوه، نگارنده برخی از آگاهی‌های کتابشناختی و تراجم را از این کتاب گرفته است. فرهنگنامه معجم الادباء یاقوت حموی همسنگ کتاب البلدان او در مطالعات و تحقیقات پیش‌روست. از این اثر در تکمیل کتاب‌شناسی فهرست ابن ندیم و در تراجم و رجال مربوط سود جسته‌ایم. کتاب صبح الأعشى فی صناعة الكتابة و الانشاء قلقشندی از دیگر منابع تاریخ فرهنگ اسلامی است که در مبحث پیوستگی منابع مکتوب و روایات شفاهی به خصوص درباره نقش صنعت کاغذ در رونق کتابت، از آن بهره گرفته‌ایم. دو کتاب الخراج ابوالفرج قدامة بن جعفر و کتاب المسالك و الممالک عبید بکری، حاوی اطلاعات ادبی فراوانی است که به ویژه در خصوص اصطلاحات مربوط به تاریخ و احکام فتوح می‌توان از آنها بهره‌مند شد.

منابع	مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
۱. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغة؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ مصر: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸.	۱۹. سرخسی، ابوبکر محمد بن ابی سهل؛ شرح السیر الکبیر؛ الدكتور صلاح الدین المنجد؛ قاهره: مطبعة مصر، ۱۹۶۰.
۲. ابن باجی، سلیمان بن خلف؛ التعديل والتجريح؛ دراسة والتحقیق احمد بزاز؛ مراكش: وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیه، مراكش، [بی تا].	۲۰. سزگین، فؤاد؛ تاریخ التراث العربی؛ ج ۱، الجزء الثاني (التدوین التاريخی)؛ تعریب محمود فهمی حجازی، راجعه عرفة مصطفى وسعيد عبد الرحيم؛ ط ۲، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۱۲ ق.
۳. ابن حبان، محمد تمیمی بستی؛ الصحيح؛ تحقیق شعيب الأرنؤوط؛ ط ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۳ م.	۲۱. سهمی، حمزة بن یوسف؛ تاریخ جرجان؛ ط ۴، بیروت: عالم الکتب للطباعة والنشر، ۱۴۰۷ ق.
۴. ابن حجر، ابوالفضل احمد بن علی؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ تحقیق عادل احمد وعلی محمد معوض؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.	۲۲. شلتوت، محمد فهمی؛ تاریخ المدينة المنورة؛ مقدمه ابن شبه نمیری؛ قم: دار الفکر، ۱۴۱۰ ق / ۱۳۶۸ ش.
۵. _____؛ تعلیق التعلیق؛ تحقیق سعید عبد الرحمن موسی الفزقی؛ بیروت: المکتب الإسلامی، دارعمار، ۱۴۰۵ ق.	۲۳. شافعی، محمد بن ادريس؛ کتاب الام؛ ط ۲، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن سعد، ابوعبدالله؛ الطبقات الكبرى؛ تحقیق احسان عباس؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].	۲۴. طبری، محمد بن جریر بن رستم؛ المنتخب من ذیل المذیل؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، [بی تا].
۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله؛ تاریخ مدينة دمشق؛ دراسة و تحقیق علی شیری؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۱۹ م.	۲۵. _____؛ تاریخ الامم والملوک؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ ج ۲، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷.
۸. ابن نجار، ابوعبدالله محمد بن محمود؛ ذیل تاریخ بغداد؛ دراسة و تحقیق مصطفى عبد القادر؛ دار الکتب: بیروت العلمیة، ۱۴۱۷ ق.	۲۶. طوسی، محمد بن حسن؛ الفهرست؛ تحقیق جواد القیومی؛ ط ۱، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۹. ابن ندیم، محمد بن اسحاق البغدادي؛ الفهرست؛ به کوشش رضا تجدد؛ تهران: کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۳ ش.	۲۷. عزیزی، حسین؛ «علاقة المصادر المكتوبة بالروایات الشفوية فی القرون الثلاثة الأولى من التاريخ الهجری»، مجلة العلوم الانسانیة؛ دفتر ۱۷، ش ۳، ۱۴۳۰ ق، ۲۰۱۰ م.
۱۰. ابونعیم، احمد بن عبد الله اصبهانی؛ ذکراخباراصفهان؛ لیدن: مطبعة بریل، ۱۹۳۴ م.	۲۸. عطا، مصطفى عبد القادر؛ تاریخ بغداد خطیب، مقدمه؛ ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۱۱. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم؛ کتاب الخراج؛ بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر؛ [بی تا].	۲۹. فتحی عثمان، محمد؛ المدخل الی التاريخ الاسلامی؛ ط ۲، بیروت: دار النفایس، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م.
۱۲. احمد امین مصری؛ ضحی الاسلام؛ ط ۱۰، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۳ م.	۳۰. قفطی، جمال الدین، إنباه الرواة علی أنباه النجاة، ط ۱، بیروت: مكتبة العنصریة، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی؛ فتوح البلدان؛ تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد؛ بیروت: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۵۶.	۳۱. مزّی، ابوالحجاج جمال الدین یوسف؛ تهذیب الکتب؛ تحقیق، ضبط و تعلیق الدكتور بشار عواد معروف؛ ط ۴، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ تحقیق احمد عبد الغفور عطار؛ ط ۲، مصر: دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ ق.	۳۲. مسعودی، ابولحسن علی بن الحسن؛ مروج الذهب؛ تحقیق اسعد داغر، ط ۲، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. حموی، ابوعبدالله یاقوت، معجم الادباء، ط ۱، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.	۳۳. _____؛ التنبيه والإشراف؛ بیروت: دار صعب، [بی تا].
۱۶. خطیب، ابوبکر احمد بن علی؛ تاریخ بغداد؛ تحقیق مصطفى عبد القادر عطا؛ ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۷.	۳۴. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی الكوفي؛ کتاب الرجال؛ ط ۵، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. ذهبی، ابوعبدالله محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء؛ اشرف علی تحقیق هذا لکتاب وخرج احاديثه شعيب الأرنؤوط؛ ط ۹، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۳.	۳۵. واقدی، ابوعبدالله محمد بن عمر؛ فتوح الشام؛ بیروت: دار الجیل، [بی تا].
۱۸. روزنتال، فرانتس؛ تاریخ تاریخ نگاری در اسلام؛ ترجمه اسدالله آزاد؛ مشهد:	۳۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح؛ تاریخ یعقوبی؛ النجف: مطبعة العربی، ۱۳۵۸ ق.